

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۲۲

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۹۹-۱۱۸

بازپژوهی روایت «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة» در منابع اهل سنت

عباسعلی فراهتی*

مهدی آذری فرد**

امیرحسین پارسا***

◀ چکیده

در متون روایی اهل سنت، روایات متعددی در خصوص فضائل امام حسن و امام حسین علیهما السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است؛ از جمله حدیث شریف «ان الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة» که در بسیاری از منابع روایی اهل سنت به طرق مختلف نقل شده است. هرچند برخی از محدثان اهل سنت در نگاشته‌های خود در موضوع احادیث متواتر، به تواتر این حدیث اذعان داشته‌اند، اما هیچ‌یک از آنان گزارش جامعی را در این خصوص ارائه نداده و به جمع‌آوری کامل اسانید و مشخص کردن تعداد راویان در هر طبقه نپرداخته‌و یا راویان این روایت را ضعیف شمرده‌اند. در این جستار، ضمن بازپژوهی این حدیث در منابع روایی اهل سنت، به بررسی تواتر این حدیث از طریق ارائه طرق متعدد آن و شناسایی راویان در هر طبقه پرداخته شده است. تکمیل گزارش ناقص محدثان اهل سنت و ارائه گزارشی جامع در خصوص تواتر این حدیث، و بی‌نیازی حدیث‌پژوهان از مباحثی همچون بررسی نوع خبر، درجه اعتبار آن و شناخت احوال راویان این حدیث در منابع رجالی، از نتایج این پژوهش است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، اهل سنت، منابع حدیثی، حدیث متواتر.

* استادیار گروه معارف دانشگاه کاشان / a.farahati@gmail.com

** پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، نویسنده مسئول / m.azarifard@gmail.com

*** کارشناس ارشد تاریخ تشیع / pars.a.amirhosein@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۱

۱. مقدمه

در طول تاریخ، علما و محدثانی بوده‌اند که با نشان دادن طُرُق متعدد روایاتی، اهتمام به اثبات تواتر آن روایات داشته‌اند. برای نمونه، از علمای شیعه می‌توان علامه عبدالحسین امینی را نام برد؛ این عالم بزرگ با تلاشی وافر در طول سالیان دراز، توانست با نگاشتن کتاب شریف *الغدیر* تواتر حدیث شریف غدیر را با توجه به منابع اهل سنت به اثبات رساند. همچنین، میرحامد حسین الکنهوی نیز با نگاشتن کتاب *عقبات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار*، تواتر حدیث شریف ثقلین و برخی دیگر از روایات را در منابع اهل سنت نشان داده است. سیدهاشم بحرانی نیز برای جمع‌آوری طرق متعدد روایاتی که در خصوص فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در منابع شیعه و اهل سنت وارد شده، به تألیف کتاب *غایة المرام و حجة الخصام* همت گماشت.

در میان علمای اهل سنت نیز، عده‌ای به نگاشتن کتاب‌هایی در خصوص معرفی روایات متواتر پرداخته‌اند، از این بین می‌توان از کتاب‌های *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر* اثر محمد جعفر الکتانی و *الأخبار المتناثرة فی الأخبار المتواترة* اثر جلال‌الدین سیوطی نام برد. البته برخی نیز در خلال کتاب‌هایشان به متواتر بودن برخی از روایات اشاره کرده‌اند. برای نمونه، سیوطی در کتاب *تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای*، علامه قاسمی در کتاب *قواعد التحدیث*، نورالدین عتر در کتاب *منهج النقد فی علوم الحدیث* و محمود طحان در کتاب *تیسیر مصطلح الحدیث*، برخی از احادیث همچون «من کذب علیّ متعمداً فلیتبوأ مقعده من النار» (نقل از ۶۲ صحابی)، و «نزل القرآن علی سبعة أحرف» (نقل از ۲۷ صحابی)، و «من بنی لله مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة» (نقل از ۲۰ صحابی) را متواتر لفظی دانسته‌اند. (سیوطی، بی تا [الف]، ج ۲، ص ۱۸۰؛ قاسمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۶؛ عتر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۰۵؛ طحان، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۴)

اما یکی از احادیث معروف که در میان منابعی از اهل سنت که مربوط به احادیث متواترند و یا به معرفی برخی از احادیث متواتر پرداخته‌اند، به تواتر آن توجهی نشده است و یا اگر به آن اشاره شده، به‌طور کامل و جامع حول محور تواتر آن (جمع طرق و اسانید و تعداد راویان در هر طبقه) بحث نگردیده، و یا راویان آن توسط برخی علمای اهل سنت ضعیف شمرده شده‌اند، حدیث شریف «الحسن والحسین سیدا شباب

أهل الجنة» است. برای نمونه، به‌رغم اینکه محمد جعفر الکتانی در کتاب *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر* به متواتر بودن این روایت اشاره کرده است، تنها به نام بردن از ۱۶ صحابی که این روایت را از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند بسنده کرده، بدون اینکه اسناد و طرق این روایت را به‌طور کامل جمع‌آوری کند و یا به کثرت راویان در طبقات بعدی صحابه (یعنی تابعین و اتباع تابعین) اشاره‌ای داشته باشد. همچنین کتانی گفته است در کتاب‌های *فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر و التیسیر بشرح الجامع الصغیر* که مؤلف هر دو عبدالرئوف مناوی است، از جلال‌الدین سیوطی نقل شده که این روایت متواتر است. از آنجا که کتانی در ابتدای کلامش می‌نویسد: «أورده فی الأزهار»، مشخص می‌شود که وی نام این «۱۶» صحابی را از کتاب *الأزهار المتناثرة فی الأخبار المتواترة* سیوطی نقل کرده است. این مطلب نشانگر آن است که اطلاعات ارائه‌شده توسط سیوطی نیز حول محور تواتر این حدیث به همین مقدار است. (الکتانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۶)

عمر بن سلیمان العتیبی نیز در کتاب *الجنة والنار* می‌گوید: این روایت به طُرق زیادی ثابت شده، به‌طوری که به درجه تواتر می‌رسد، و شیخ ناصرالدین البانی طرق این روایت را در کتاب *سلسلة الأحادیث الصحیحة* جمع‌آوری کرده است. (العتیبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹) اما با مراجعه به کتاب البانی مشخص می‌شود که وی تنها این روایت را از سوی ۱۰ تن از صحابه نقل کرده و ضمن آنکه سلسله اسناد این روایت را به‌طور کامل جمع نکرده و تعداد راویان در دیگر طبقات را نیز مشخص نکرده، اسنادی از این روایت را که به برخی از صحابه می‌رسد، نیز به‌طور کامل جمع‌آوری نکرده است. برای نمونه، در طریقی از این روایت که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌رسد، سند نقلِ ابی الاسحاق السبعی از امام علی علیه السلام را نیاورده است، و یا به سند نقل عطاء بن یسار از ابوسعید الخدری، اشاره‌ای نکرده است. (البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳-۴۳۱) همچنین البانی در ادامه به احوال رجالی راویان این حدیث پرداخته و برخی از آنان را ضعیف شمرده است. ضرورت بررسی این روایت و هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه گزارشی جامع در خصوص تواتر این حدیث شریف با نشان دادن کثرت راویان آن در تمامی طبقات از طریق جمع‌آوری کامل سلسله اسناد و همچنین تکمیل گزارش ناقص محدثان اهل سنت در این خصوص است. بی‌نیازی حدیث‌پژوهان از مباحثی همچون

برسی نوع خبر، درجه اعتبار آن و شناخت احوال راویان این حدیث در منابع رجالی اهل سنت نیز از نتایج و ثمرات این پژوهش به شمار می‌آیند.* شایسته توضیح است که این مقاله در دو بخش ذیل تنظیم شده است: در بخش اول برای مشخص شدن تعداد راویان این حدیث شریف در طبقات صحابه، تابعین و اتباع تابعین، سلسله اسناد این روایت به طور کامل ذکر شده است. بخش دوم نیز ضمن تعریف حدیث متواتر از دیدگاه محدثان اهل سنت، ضعیف شمرده شدن برخی راویان این روایت را مخالف با معیارهای علمای حدیثی اهل سنت در برخورد با روایات متواتر دانسته است. همچنین در انتهای هر بخش، نکاتی که از آن بخش برداشت می‌شود، به اختصار بیان شده است.

۲. اسناد روایت «الحسن والحسین سیدنا شباب أهل الجنة» در منابع اهل سنت

۲-۱. سند امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۲-۱-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ، قَالَ: نَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ، قَالَ: ثنا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ، عَنْ مَيْسَرَةَ، عَنْ شُرَيْحٍ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.» (بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۶۸؛ خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱۲، ص ۳؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۴، ص ۱۳۱)

۲-۱-۲. أخبرنا محمد بن احمد بن رزق قال نا عبدالصمد بن علی بن محمد قال نا الحسين بن سعيد بن أزهر السلمی قال حدثني قاسم بن يحيى بن الحسن بن زيد بن علی قال نبأنا أبو حفص الأعشى عن أبان بن تغلب عن أبي جعفر عن علی بن الحسين عن الحسين بن علی عن علی قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» وأبوهما خير منهما. (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۰۹ و ج ۲۷، ص ۳۹۹)

۲-۱-۳. محمد بن الحسن بن يعقوب يعرف بالحاجب حدث عن عبدالصمد بن حسان روى عنه عبدالباقي بن قانع القاضي أخبرنا محمد بن الحسين القطان قال نا عبدالباقي بن قانع القاضي قال نا محمد بن الحسن بن يعقوب الحاجب قال نا عبدالصمد بن حسان قال نا محمد بن أبان عن أبي جناب عن الشعبي عن زيد بن شيع عن علی قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة.» (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۱۸۵ و ج ۱۴، ص ۱۳۰)

۴-۱-۲. اخبرنا أبو محمد عبدالكريم بن حمزة السلمی أنا أبو الحسن أحمد بن عبدالواحد بن محمد السلمی أنا جدى أبو بكر محمد بن احمد بن عثمان بن أبی الحديد نا خيثمة بن سليمان بن حيدرة القرشى نا الفضل بن يوسف القصبانى بالكوفة أنا مخول بن إبراهيم نا منصور بن أبی الأسود عن ليث عن الشعبي عن الحارث عن على عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابن عساكر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۰۸؛ دارقطنى، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۶۶؛ ذهبى، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۷۶)

۵-۱-۲. أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الدَّبِيحِ الْهَاشِمِيُّ الْكُوفِيُّ، وَيَسْتَبْتُهُ بَغَانِمِ بْنِ دَبِيحٍ، أَفَاضِيهِ الْمُؤْتَمِنُ، بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ، وَأَجَازِلِي قَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ حَدِيثِ الشَّرِيفِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ الْكُوفِيِّ، فِي دَارِهِ فِي رَمَضَانَ سَنَةِ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَأَرْبَعِ مِائَةٍ، نَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ قَدَوِيهِ الشَّاهِدُ بِالْكُوفَةِ، نَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَكَّائِي، نَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْخَضْرَمِيِّ، نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، نَا أَبُو الْأَحْوَصِ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (ابو طاهر السلفى، بى تا، ج ۳، ص ۱۰۰؛ ابن ابى شيبه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۷۸؛ عسقلانى، بى تا [الف]، ج ۱۱، ص ۲۵۳)

۲-۲. سند امام حسين عليه السلام

۱-۲-۲. حدثنا أحمد بن رشدين قال حدثنا أحمد بن عمرو الحميرى المصرى قال حدثنا محمد بن الحسن بن عبد الله الجعفرى قال حدثنا جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن الحسين بن على قال: قال رسول الله: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (طبرانى، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۷؛ هيثمى، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۴)

۳-۲. سند حذيفة

۱-۳-۲. حدثنا زيد بن حباب عن إسرائيل عن ميسرة النهدى عن النعمان بن عمرو عن زر بن حبيش عن حذيفة قال أتيت النبى صلى الله عليه وسلم فصليت معه المغرب ثم قام يصلى حتى صلى العشاء ثم خرج فاتبعته فقال: ملك عرض لى استأذن ربه أن يسلم على ويبشرنى «أن الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابن ابى شيبه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۷۸)

۲-۳-۲. حدثنا العباس بن إبراهيم، نا محمد بن إسماعيل، نا عمرو العنقزي قتنا إسماعيل، عن مسرة بن حبيب(النهدى)، عن المنهال بن عمرو، عن زر بن حبیش، عن حذيفة قال: قالت لى أمى: متى عهدك بالنبي صلى الله عليه وسلم؟ فذكر الحديث، وقال: فى آخره: سيأتى رسول الله صلى الله عليه وسلم فيستغفر لى ولك، فأتيت رسول الله صلى الله عليه وسلم فصليت معه المغرب قال: فصلى ما بينهما ما بين المغرب والعشاء ثم انصرف فاتبعته قال: فبينما هو يمشى إذ عرض له عارض، فناجاه ثم مضى، واتبعته فقال: من هذا؟ قلت: حذيفة قال: ما جاء بك يا حذيفة؟ فأخبرته بالذى قالت لى أمى، فقال: غفر الله لك يا حذيفة ولأمك أما رأيت العارض الذى عرض لى؟ قلت: بلى بأبى أنت وأمى قال: فإنه ملك من الملائكة لم يهبط إلى الأرض قبل ليلته هذ، استأذن ربه فى أن يسلم على فبشرنى أو فأخبرنى: «أن الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» وأن فاطمة سيدة نساء أهل الجنة. (ابن حنبل، بى تا، ج ۳، ص ۳۸۵؛ همو، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۹۱؛ الفسوى، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ترمذى، بى تا، ج ۵، ص ۶۶۰؛ نسايى، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۸؛ ابن اعرابى، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ابن حبان، بى تا، ج ۱۵، ص ۴۱۳؛ همو، ۱۴۱۱ق، ج ۱۵، ص ۴۱۳؛ نيشابورى، بى تا، ج ۱۳، ص ۸۵؛ اصبهانى، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۹۰؛ خطيب بغدادى، بى تا، ج ۶، ص ۳۷۲؛ ابن عساكر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۰۷؛ ابن اثير، ۱۳۹۲ق، ج ۹، ص ۵۸؛ هيثمى، بى تا، ج ۱، ص ۵۵۲؛ عسقلانى، بى تا[الف]، ج ۱۱، ص ۲۳۷؛ سيوطى، بى تا[ج]، ج ۲، ص ۴۶۵؛ هيثمى، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۵۲۶؛ البانى، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۸۹؛ همو، بى تا[ب]، ج ۸، ص ۲۸۱؛ متقى هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۱۹۲)

۲-۳-۳. حَدَّثَنِي أَبِي وَمَا كَتَبْتُهُ إِلَّا عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَاتِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ خَارِجَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْأَسْوَدِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ عَامِرِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ عَنْ زُرِّ بْنِ حَبِيشَ عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ: رَأَيْنَا فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السُّرُورَ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ، فَقُلْنَا: يَارَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ رَأَيْنَا فِي وَجْهِكَ تَبَاشِيرَ السُّرُورِ. قَالَ: وَمَالِي لَا أَسْرُ وَقَدْ أَتَانِي جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَشَّرَنِي «أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» وَأَبُوهُمَا أَفْضَلُ مِنْهُمَا. (ابن شاهين، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۰؛ ابن عساكر، ۱۹۹۵م، ج ۳۴، ص ۴۳۷)

۲-۳-۴. حَدَّثَنَا أَبُو سُوَيْدٍ بْنُ عَامِرٍ، حَدَّثَنَا إِسْرَائِيلُ، عَنْ ابْنِ أَبِي السَّفَرِ، عَنْ الشَّعْبِيِّ، عَنْ

حُدَيْفَةَ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّيْتُ مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ، وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ، ثُمَّ تَبَعْتُهُ وَهُوَ يَرِيدُ يَدْخُلُ بَعْضَ حُجْرِهِ، فَقَامَ وَأَنَا خَلْفُهُ كَأَنَّهُ يَكَلِّمُ أَحَدًا، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: مَنْ هَذَا؟ قُلْتُ: حُدَيْفَةُ، قَالَ: أَتَذَرِي مَنْ كَانَ مَعِيَ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَإِنَّ جِبْرِيلَ جَاءَ يَبَشِّرُنِي «أَنَّ الْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»، قَالَ: فَقَالَ حُدَيْفَةُ: فَاسْتَغْفِرْ لِي وَلَاؤُمَّي، قَالَ: غَفَرَ اللَّهُ لَكَ يَا حُدَيْفَةُ وَلَاؤُمَّكَ. (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۳۹۲؛ ابوالمعاطی النوری، ۱۴۰۱ق، ج ۱۱، ص ۲۳۱)

۲-۳.۵. اخبرنا أبو القاسم الشحامی أنا أبو سعد الجوزرودی أنا الحاكم أبو احمد أنا ابو علی الحسن بن احمد السکونی بحمص نا مسیب یعنی ابن واضح نا عطاء بن مسلم الخفاف نا ابو عمر الاشجعی عن سالم بن ابی الجعد عن قیس بن ابی حازم عن حذیفة بن الیمان قال: كنت عند رسول الله صلى الله عليه وسلم فرأيت عنده شخصا فقال لي يا حذیفة هل رأيت قلت نعم يا رسول الله قال هذا ملك لم يهبط منذ بعثت اتاني الليلة فبشرنی «أن الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۰۸)

۲-۴. سند أنس بن مالك

۲-۴-۱. حدثنا الحسن بن علی، ثنا الفيض بن الوثيق، ثنا عثمان بن مطر الشيباني، ثنا ثابت، عن أنس بن مالك، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابوعلی بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱؛ ابن العديم، بی تا، ج ۳، ص ۱۱)

۲-۴-۲. أخبرنا أبو محمد طاهر بن سهل أنا أبو الحسين بن مكی أنا أبو الحسن أحمد بن عبيد الله بن جعفر بن زريق البغدادي نا أحمد بن عمرو بن جابر نا أحمد بن بشر المرثدي نا فيض بن وثيق نا عمار بن مطر نا ثابت البناني عن أنس بن مالك قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۴، ص ۱۳۷)

۲-۴-۳. أخبرتنا أمة السلام قالت حدثنا محمد بن الحسين قال حدثنا إبراهيم بن محمد بن صدقة العامري قال حدثنا نعيم بن سالم بن قنبر عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (أبنوسى، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۱۱)

۲-۴-۴. أخبرنا أبو القاسم بن أبي بكر أنا أبو القاسم بن أبي الفضل أنا أبو القاسم

السهمی نا أبو احمد بن عدی نا إسحاق بن حمدان البلخی نا حم بن نوح نا حبيب بن أبی حبيب نا الزبير بن سعيد نا حميد عن انس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» وأبوهما خير منهما. (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۱۱)

۵-۲. سند ابوسعید الخدری

۵-۲-۱. حدثنا وكيع عن سفيان عن يزيد بن أبي زياد عن بن أبي نعم عن أبي سعيد قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۷۸؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۷؛ همو، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۶۲؛ الفسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۴۴؛ ابی خيثمة، بی تا، ج ۲، ص ۶۲۵/نسابی، بی تا[الف]، ج ۱، ص ۱۱۷؛ همو، بی تا[ب]، ج ۵، ص ۱۴۹؛ همو، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ أجرى، بی تا، ج ۵، ص ۲۱۴۳؛ خرکوشی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۲۸۸؛ اصبهانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۷۱؛ جوهری، بی تا، ج ۱، ص ۶؛ بغوی، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۸۰؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۴۰۲ و ج ۱۴، ص ۱۳۴؛ اشیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۲۶؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵؛ همو، بی تا، ج ۵، ص ۲۴۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰۶؛ البانی، بی تا[ب]، ج ۸، ص ۲۶۸)

۵-۲-۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الزُّبَيْرِيُّ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ مَرْدَأَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ ابْنُ أَبِي نُعْمٍ (أَبَا الْحَكَمِ)، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳؛ نسابی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۳؛ قطیعی، بی تا[ب]، ج ۱، ص ۳۲؛ خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱۱، ص ۹۰؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۱۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۶۷؛ مراغی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۶)

۵-۲-۳. حدثنا أحمد قال نا عيسى بن عبدالله بن دلوية قال نا على بن ثابت الدهان قال نا قيس بن الربيع عن سعيد بن مسروق عن بن أبي نعم عن أبي سعيد الخدری قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۷)

۵-۲-۴. حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی قال نا حرب بن الحسن الطحان قال نا

عبدالعزیز بن محمد الدراوردی عن صفوان بن سلیم عن عطاء بن یسار عن أبی سعید الخدری قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة». (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۰؛ ابوطاهر السلفی، بی تا، ج ۴۳، ص ۷)

۵-۵-۲. حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب، ثنا الحسن بن علي بن عفان، ثنا عبد الحميد بن عبد الرحمن الحماني، ثنا الحكم بن عبد الرحمن بن أبي نعم، عن أبيه، عن أبي سعيد الخدری رضی الله عنه، عن النبی صلى الله عليه وسلم أنه قال: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة» إلا ابني الخالة. (نیشابوری، بی تا، ج ۱۱، ص ۹۰؛ دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۳۷۴؛ ذهبی، ۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۵۲؛ ابن کثیر، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۶؛ البانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۱۸۹؛ ابن بشران، ۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۴)

۶-۵-۲. «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»، رواه ابن ماجه من حديث ابن عمر والترمذی من حديث ابی سعید، رواه سويد بن سعيد عن ابی معاوية عن الاعمش عن عطية عن ابی سعید عن النبی ﷺ. (زرکشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۳)

۶-۲. سند جابر

۱-۶-۱. عن جابر- وهو الجعفی- عن عبدالرحمن ابن سابط عن جابر بن عبدالله قال: قال صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة». (البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ هیتمی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۵۵۹؛ سیوطی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۷۶)

۷-۲. سند عبدالله بن مسعود

۱-۷-۲. حدثنا أبو سعيد عمرو بن محمد بن منصور العدل، ثنا السري بن خزيمه، ثنا عثمان بن سعيد المري، ثنا علي بن صالح، عن عاصم، عن زر، عن عبدالله رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة»، وأبوهما خير منهما. (نیشابوری، بی تا، ج ۱۱، ص ۹۱)

۲-۷-۲. حدثنا فاروق الخطابي قال ثنا هشام بن علي السيرافي قال ثنا عبد الحميد بن بحر أبو سعيد الكوفي قال ثنا منصور بن أبی الأسود عن الأعمش عن ابراهيم عن علقمة عن عبدالله قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة». (اصبهانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۴، ص ۱۳۳؛ ابن العديم، بی تا، ج ۳، ص ۱۱؛ هیتمی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۵۶۰)

۸-۲. سند عبدالله بن عباس

۱-۸-۲. أخبرنا أبو العلاء صاعد بن أبي الفضل بن أبي عثمان الماليني أنا أبو محمد عبدالله بن أبي بكر بن أحمد السقطي المقرئ نا أبو الفضل محمد بن أحمد بن محمد بن الجارود الجارودي الحافظ إملاء أنا أبو الفضل العباس بن الحسين بن أحمد الصفار بالرى نا طاهر بن إسماعيل الخثعمى نا محمد بن عبید وهو النحاس نا سيد يعنى ابن محمد عن الثورى عن حبيب بن أبى ثابت عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس أن النبى صلى الله عليه وسلم قال: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» من أحبهما فقد أحبنى ومن أبغضهما فقد أبغضنى. (ابن عساكر، ۱۹۹۵م، ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ متقى هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۲۲۴)

۹-۲. سند براء بن عازب

۱-۹-۲. حدثنا عبدالله بن أحمد بن حنبل قال حدثنى على بن حكيم الاودى قال نا شريك عن اشعث بن سوار عن عدى بن ثابت عن البراء قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة». (طبرانى، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۲۵؛ هيثمى، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۴؛ قندوزى، بی تا، ج ۲، ص ۸۵؛ متقى هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۲۱۲)

۱۰-۲. سند ابوهريره

۱-۱۰-۲. قَالَ أَبُو مَخْنَفٍ: مَنَعَ مِرْوَانَ مَنَ دَفْنِ الْحَسَنِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّىٰ كَادَ يَكُونُ بَيْنَ الْحُسَيْنِ وَبَيْنَهُ قِتَالٌ، وَاجْتَمَعَ بَنُو هَاشِمٍ وَبَنُو الْمُطَّلِبِ وَمَوَالِيَهُمْ إِلَى الْحُسَيْنِ، وَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ الْخَدْرِيُّ وَأَبُو هُرَيْرَةَ لِمِرْوَانَ: أُنْمَعِ الْحَسَنَ مَنَ أَنْ يَدْفَنَ مَعَ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»، فَقَالَ مِرْوَانُ: لَقَدْ ضَاعَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ كَانَ لَا يَرُويهِ إِلَّا مِثْلُكَ وَمِثْلُ أَبِي هُرَيْرَةَ. (بلاذرى، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۵؛ الباعونى الشافعى، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۶۱)

۲-۱۰-۲. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، ثنا أَبُو نُعَيْمٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ الدُّهْلِيُّ، حَدَّثَنِي أَبُو حَازِمٍ، حَدَّثَنِي أَبُو هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ الرَّسُولَ اللَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ مَلَكًا مِنَ السَّمَاءِ لَمْ يَكُنْ زَارَنِي، فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي زِيَارَتِي، فَبَشَّرَنِي «أَنَّ الْحَسَنَ

وَالْحُسَيْنَ سَيِّدًا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (طبرانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶؛ مزنی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۶، ص ۳۲۱؛ هیشمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۲؛ سیوطی، بی تا [ب]، ج ۱، ص ۴۰؛ سیوطی، بی تا [هـ]، ج ۱، ص ۷۹۵۸)

۳-۱۰-۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ، حَدَّثَنَا جُمُهورُ بْنُ مَنْصُورٍ، ثنا يوسُفُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثنا سُفْيَانُ، عَنْ أَبِي الْجَحَافِ وَحَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (طبرانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷)

۴-۱۰-۲. سُئِلَ عَنْ حَدِيثِ أَبِي حَازِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: حَسَدُوا ابْنَ بَنَاتِ نَبِيِّهِمْ تُرْبَةً يَدْفُونُونَ فِيهَا، وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»، فَمَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي. (طبرانی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۹۱)

۱۱-۲. سند ابوبکر

۱-۱۱-۲. عن أبي بكر الصديق رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (طبري، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۷)

۱۲-۲. سند عمر بن الخطاب

۱-۱۲-۲. أخبرنا أبو القاسم إسماعيل بن أحمد نا أبو القاسم إسماعيل بن مسعدة أنا حمزة بن يوسف أنا أبو أحمد بن عدى نا صالح بن أحمد بن أبي مقاتل أنا أحمد بن المقدام أنا حكيم بن حزام نا الأعمش عن إبراهيم التميمي عن شريح عن عمر بن الخطاب عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة». (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۸۱؛ هیشمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۲؛ البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳)

۱۳-۲. سند عبدالله بن عمر

۱-۱۳-۲. حدثنا محمد بن موسى الواسطي حدثنا المعلى بن عبدالرحمن حدثنا ابن أبي ذئب عن نافع عن ابن عمر قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» وأبوهما خير منهما. (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۴۴؛ أجرى، بی تا، ج ۵، ص ۲۱۴۱؛ نیشابوری، بی تا، ج ۱۱، ص ۹۲؛ شجری جرجانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۸)

ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۰۹ و ج ۱۴، ص ۱۳۳؛ ابوالمعاطی النوری، ۱۴۰۱ق، ج ۲۵، ص ۸؛ عجلونی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۱۹؛ عائض، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶۴؛ قندوزی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲؛ البانی، بی تا [الف]، ج ۱، ص ۱۹۰؛ متقی هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۲۱۲؛ سیوطی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۱ (

۱۴-۲. سند اسامة

۱۴-۲-۱. حدثنا محمد بن الفضل السقطی قال حدثنا محمد بن عبدالله الأرزى قال حدثنا إسماعیل بن علیة عن زیاد الجصاص عن ابی عثمان النهدی عن اسامة بن زید قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» اللهم انی احبهما فأحبهما. (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۲؛ هیثمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۴؛ سیوطی، بی تا [هـ]، ج ۱، ص ۱۱۸۸۰؛ متقی هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۲۲۵)

۱۵-۲. سند قره بن ایاس

۱۵-۲-۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا مُنْجَابُ بْنُ الْحَارِثِ، ثنا عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زِيَادِ بْنِ أَنْعَمٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»، وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا. (طبرانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۹؛ هیثمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۳؛ عسقلانی، بی تا [ب]، ج ۱، ص ۶۰۷؛ سیوطی، بی تا [هـ]، ج ۱۱، ص ۱۱۸۸۲؛ متقی هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۲۱۶؛ سیوطی، بی تا [د]، ج ۱۲، ص ۱۹۹)

۱۶-۲. سند مالک بن الحویرث

۱۶-۲-۱. حدثنا احمد بن عبدالله البزار التستری ثنا محمد بن السكن الأیلى ثنا عمران بن أبان ثنا مالک بن الحسن بن مالک بن الحویرث اللیثی عن أبیه عن جده قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة» وأبوهما خير منهما. (طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۹۲؛ جرجانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۹۴؛ مقدسی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۲۵۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۴، ص ۱۳۴؛ هیثمی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۹۴؛ قندوزی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲)

۱۷-۲. سند بریده بن الحصیب

۱۷-۲-۱. اخبرنا أبو غالب بن البنا أنا أبو الحسين محمد بن احمد بن محمد بن احمد

بن حسنون أنا علی بن عمر الحربی السکری نا محمد بن محمد بن سلیمان نا محمد بن حمید نا أبو تمیلة عن الحسن بن واقد عن ابن بريدة عن أبيه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «الحسن والحسين سیدا شباب أهل الجنة». (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۱۳، ص ۲۱۰؛ الکتانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۶؛ سیوطی، بی تا [د]، ج ۱۲، ص ۱۹۵)

۱۸-۲. ابی رمثة

۱۸-۲-۱. أخبرنا أبو بكر وجیه بن طاهر إجازة إن لم يكن سماعا أنا أبو المظفر موسى بن عمران الأنصاری قراءة عليه أنا الحاكم أبو عبد الله أخبرني خلف بن محمد بن إسماعيل البخاری نا أبو عمران موسى بن أفلح نا سعيد بن سلم بن قتيبة بن مسلم حدثني جعفر بن لاهز بن قريظ بن معدى بن رفاعة ومعدى هو أبو رمثة صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: سمعت أبي لاهز بن قريظ بن معدى بن رفاعة عن أبيه عن ابى رمثة أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: حسين منى وأنا منه هو سبط من الأسباط أحب الله من أحب حسيناً «إن الحسن والحسين سیدا شباب أهل الجنة». (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۶۴، ص ۳۵؛ متقى هندی، ۱۹۸۹م، ج ۱۲، ص ۲۲۶)

۱۹-۲. سند جهم

۱۹-۲-۱. حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَرْوَانَ، نا أبى، نا سُلَيْمَانُ بْنُ عِكْرَمَةَ، عَنْ أُسَيْدِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: وَرَعَمَ لَيْثٌ عَنْ أَبِي وَأَبِي شَقِيقِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ الزُّبَيْرِ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ هَمْدَانَ قَالَ: إِنَّ ذَا الْكَلْعَاءِ حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جُهْمًا يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ حَسَنًا وَحُسَيْنًا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». (ابن قانع، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۳؛ سيوطی، بی تا [هـ]، ج ۱، ص ۶۲۹۲)

* نکاتی که از این بخش برداشت می شود:

- طبق بررسی فوق، تعداد صحابیانی که این روایت را از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده اند ۱۹ نفرند. بر این اساس نقصان گزارش سیوطی و کتانی که تعداد صحابیان این روایت را ۱۶ نفر ذکر کرده اند، همچنین گزارش البانی که تعداد صحابیان این روایت را ۱۰ نفر ذکر کرده است مشخص و تکمیل شده است.

- تعداد راویان این روایت در طبقات بعدی صحابه، یعنی تابعین و اتباع تابعین که در گزارش محدثان اهل سنت بدان اشاره نشده بود نیز مشخص شد. طبق این بررسی

در طبقه تابعین ۲۴ نفر و در طبقه اتباع تابعین ۹ نفر این روایت را نقل کرده‌اند.

۳. حدیث متواتر

روایت در یک تقسیم‌بندی کلی و با توجه به سند و متن آن، به دو دسته «متواتر» و «واحد» تقسیم می‌شود. حدیث متواتر علم‌آور و قطعی‌الصدور است، مراد از علم‌آوری اطمینان از وقوع یک امر است، بنابراین از حدیث متواتر اطمینان حاصل می‌شود که سخن یا عمل ذکر شده در حدیث، حتماً از لسان معصوم علیه السلام صادر شده است. در مقابل، حدیث واحد حدیثی است که صرفاً از آن ظن حاصل می‌شود، یعنی احتمال اینکه سخن یا عمل از لسان معصوم علیه السلام ذکر شده باشد بیشتر از احتمال عدم آن است، اما احتمال این که حدیث از معصوم علیه السلام هم نقل نشده باشد منتفی نیست. علمای اهل سنت در تعریف حدیث متواتر آورده‌اند: «خبری که راویان آن در تمام طبقات (صحابیان- تابعین- اتباع تابعین) آنقدر زیاد باشند که به‌طور عادی تبانی آنان بر کذب محال باشد.» (صبحی صالح، ۱۹۹۱م، ص ۱۴۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۲) بنابراین باید شروط کثرت و عدم تبانی در تمام طبقات راویان حفظ شود (سیوطی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۲۷؛ صبحی صالح، ۱۹۹۱م، ص ۱۴۶) شایسته توضیح است که کثرت در تمام طبقات ویژگی اصلی حدیث متواتر است، اما بیشتر علمای فن حدیث، عدد خاصی را برای تعداد راویان در هر طبقه تعیین نکرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۲۷؛ قاسمی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۰) علامه قاسمی می‌گوید: حدیث متواتر واجب العمل است بدون اینکه درباره رجالش بحث شود. (قاسمی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۶) نورالدین عتر نیز می‌گوید: در مورد راویان حدیث متواتر شرط نیست، آنچه را درباره راویان حدیث صحیح یا حسن از عدالت و ضبط شرط است. (عتر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۰۴) محمود طحان نیز می‌گوید: احادیث متواتر تماماً مورد قبول است و به بحث در مورد احوال راویانش نیازی نیست. (طحان، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۴)

حدیث متواتر نیز به نوبه خود، به دو قسم «متواتر لفظی» و «متواتر معنوی» تقسیم می‌شود. متواتر لفظی حدیثی است که تمامی نقل‌های آن با عبارات و الفاظی واحد نقل شده باشد، همانند روایت «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»، و یا حدیث «من كذب علي متعمداً فليتبوء مقعده من النار». در برخی موارد نیز تنها بخشی از متن یک حدیث متواتر است؛ یعنی در برخی نقل‌ها مطالبی افزون بر دیگر نقل‌ها دارد که تکرار

نمی‌شود. متواتر معنوی نیز روایتی است که راویان اخبار گوناگونی را گزارش کرده‌اند که از مجموع آن‌ها مضمون و معنای مشترکی برداشت می‌گردد، مثلاً: شجاعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جنگ‌های مختلف (احد، خیبر، خندق و...) گزارش شده است، که از مجموع آن‌ها معنای واحدی (شجاعت) برداشت می‌شود.

* نکاتی که از این بخش برداشت می‌شود:

- طبق بررسی فوق معیار علمای حدیثی اهل سنت همچون علامه قاسمی، نورالدین عتر و محمود طحان، قبول حدیث متواتر بدون پرداختن به احوال رجالی راویانش است؛ بنابراین پرداختن به احوال رجالی راویان این حدیث، و نشان دادن ضعف برخی از آن‌ها توسط شیخ ناصرالدین البانی کاری بیهوده به نظر می‌رسد. (البانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳-۴۳۱)

- در برخی طرق متن روایت با اضافاتی همراه است، اما آن بخش از روایت که متواتر لفظی بوده و در همه نقل‌ها تکرار شده است، عبارت «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة» است.

۴. نتیجه

در این جستار ضمن بررسی حدیث «الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة» در منابع اهل سنت، مشخص شد گزارش محدثان اهل سنت در خصوص تواتر این حدیث شریف ناقص است؛ ایشان نه تعداد راویان این روایت را در طبقه صحابه به‌طور کامل معرفی کرده بودند، نه نامی از راویان این روایت و تعداد آن‌ها در طبقات تابعین و اتباع تابعین برده بودند، و نه سلسله اسناد این روایت را کامل جمع‌آوری کرده بودند. این مطلب نشان‌دهنده کم‌لطفی و کم‌کاری آنان درباره بررسی تواتر این روایت است؛ از این رو ضرورت بازپژوهی تواتر این حدیث از طریق ارائه سلسله اسناد متعدد آن و شناسایی راویان در هر طبقه بسی حائز اهمیت بود که در این پژوهش به آن پرداخته شد. همچنین با ارائه تعریف حدیث متواتر از سوی علمای اهل سنت، معیار آن‌ها در این خصوص، یعنی قبول حدیث متواتر بدون پرداختن به احوال رجالی راویان آن به دست آمد و از این طریق راه بر خدشه برخی چون شیخ ناصرالدین البانی بر ضعف برخی راویان این حدیث بسته شد. در نهایت می‌توانیم بگوییم تکمیل گزارش ناقص

محدثان اهل سنت و ارائه گزارشی جامع در خصوص تواتر این حدیث، همچنین بی‌نیازی حدیث پژوهان از مباحثی چون بررسی نوع خبر، درجه اعتبار آن، و شناخت احوال روایان این حدیث در منابع رجالی، از نتایج و اهداف اصلی این پژوهش است.

پیوست

برای تشخیص طبقه روایان می‌توان به کتاب‌های الطبقات الکبری اثر محمد بن سعد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق) و تهذیب الکمال اثر مزنی (۱۴۰۰ق) و دیگر کتب رجالی اهل سنت مراجعه کرد.

ردیف	صحابی	تابعی	تبع تابعی
۱	علی بن ابی طالب <small>رضی الله عنه</small>	تابعی ۱: شریح بن حارث	
		تابعی ۲: زید بن یثیع	
		تابعی ۳: حارث الأعور الهمدانی	
		تابعی ۴: ابواسحاق السبیبی	تبع تابعی ۱: ابوالأحوص سلام بن سلیم
۲	حسین بن علی <small>رضی الله عنه</small>	تابعی ۱: علی بن الحسین <small>رضی الله عنه</small>	
۳	حذیفه بن یمان	تابعی ۱: زر بن حبیش	تبع تابعی ۱: عاصم بن بهدله
		تابعی ۲: قیس بن ابی حازم	تبع تابعی ۲: منهل بن عمرو
		تابعی ۳: عامر الشعبي	
۴	أنس بن مالک	تابعی ۱: ثابت بن أسلم البنانی	تبع تابعی ۱: عثمان بن مطر الشیبانی
		تابعی ۲: حمید بن ابی حمید الطویل	
۵	ابوسعید الخدری	تابعی ۱: عبدالرحمن بن ابی‌نعم	تبع تابعی ۱: یزید بن مردانبة
		تابعی ۲: عطاء بن یسار	تبع تابعی ۲: حکم بن عبدالرحمن بن ابی‌نعم
		تابعی ۳: عطیه بن سعید العوفی	
۶	جابر بن عبدالله انصاری	تابعی ۱: عبدالرحمن بن عبدالله بن سابط	
۷	عبدالله بن مسعود	تابعی ۱: زر بن حبیش	تبع تابعی ۱: عاصم بن بهدله
		تابعی ۲: علقمة بن قیس	

۸	عبدالله بن عباس	تابعی ۱: سعید بن جبیر
۹	براء بن عازب	تابعی ۱: عدی بن ثابت
۱۰	ابوهریره	تابعی ۱: ابو حازم الأشجعی تبع تابعی ۱: محمد بن مروان الذهلی
۱۱	ابوبکر بن ابی قحافه	-
۱۲	عمر بن الخطاب	تابعی ۱: شریح بن حارث
۱۳	عبدالله بن عمر	تابعی ۱: نافع مولی عبدالله بن عمر بن الخطاب تبع تابعی ۱: ابن ابی ذئب
۱۴	اسامة بن زید	تابعی ۱: ابو عثمان النهدی
۱۵	قره بن ایاس	تابعی ۱: معاویه بن قره تبع تابعی ۱: عبدالرحمن بن زیاد بن انعم
۱۶	مالک بن الحویرث	تابعی ۱: حسین بن مالک
۱۷	بریده بن الحصیب	تابعی ۱: عبدالله بن بریده
۱۸	ابی رمته التیمی	-
۱۹	جهم (غیر منسوب)	تابعی ۱: ذوالکلاع سمیع بن حوشب
جمع	۱۹	۲۴ (زر بن حبیش و شریح بن حارث تکرار شده‌اند). ۹ (عاصم بن بهدلة تکرار شده است).

پی‌نوشت

* ملاک در ارزیابی سندی، به ترتیب نقل، «تبع تابعی» از «تابعی» از «صحابی» است؛ بنابراین اگر در سندی «تابعی» از «صحابی» از «صحابی» نقل حدیث کرده باشد، گزارش ما به همان صحابی که روایت از وی نقل شده ختم می‌شود، و یا اگر در سندی «تابعی» از «تابعی» از «صحابی» نقل حدیث کرده باشد، گزارش ما به تابعی قبل از صحابی ختم می‌گردد. برای نمونه، در سندی، اعمش که خود تابعی است از عطیة العوفی که او نیز تابعی است از ابوسعید الخُدَری نقل روایت می‌کند، لذا در بخش تابعیان، تنها نام عطیة العوفی ذکر شد.

منابع

۱. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، مصنف، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن اثیر، مجدالدین، جامع الاصول فی احادیث الرسول، بیروت: مطبعة الحلوانی، ۱۳۹۲ق.

۳. ابن اعرابی، احمد بن محمد، معجم، عربستان: دار ابن جوزی، ۱۴۱۸ق.
۴. ابن العدیم، عمر بن احمد، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، بی جا: بی نا، بی تا.
۵. ابن بشران، عبدالملک بن محمد، مالی، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۸ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، التبصرة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۷. ابن حبان، محمد، صحیح، بی جا: مؤسسة الرساله، بی تا.
۸. _____، صحیح، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۱ق.
۹. ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابه، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۰. _____، مسند، بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۹ق.
۱۱. ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۲. ابن شاهین، ابو حفص عمر بن احمد، الجزء الخامس من الأفراد، کویت: دار ابن الأثیر، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵م.
۱۴. ابن قانع، عبدالباقی، معجم الصحابه، مدینه: مکتبه الغرباء الاثریة، ۱۴۱۸ق.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة والنهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۶. _____، البدایة والنهایه، بیروت: مکتبه المعارف، بی تا.
۱۷. _____، مسند ابی حفص عمر بن الخطاب، بی جا: دارالوفاء.
۱۸. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
۱۹. ابو طاهر السلفی، صدرالدین، المشیخة البغدادیة، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۰. ابو علی بغدادی، محمد بن احمد، الجزء الثالث من فوائد ابی علی، ریاض: دارالعاصمه، بی تا.
۲۱. ابوالعاطی النوری، المسند الجامع، بی جا: بی نا، ۱۴۰۱ق.
۲۲. ابی خیثمة، احمد، تاریخ الکبیر، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۳. اشبیلی، محمد عبدالحق، الاحکام الشرعیة الکبری، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۲۲ق.
۲۴. اصبهانی، ابونعیم، حلیة الاولیاء، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۵ق.
۲۵. ابنوسی، ابوالحسین محمد بن احمد، مشیخه، بی جا: جامعه ملک سعو، ۱۴۲۱ق.
۲۶. آجری، ابوبکر محمد بن الحسین، الشریعة، عربستان: دارالوطن، بی تا.
۲۷. باعونی الشافعی، شمس الدین، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی علیه السلام، بی جا: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.
۲۸. البانی، ناصرالدین، تعلیقات الحسان علی صحیح ابن حبان، عربستان: دار باوزیر للنشر والتوزیع، ۱۴۲۴ق.
۲۹. _____، سلسله الأحادیث الصحیحة، ریاض: مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق.
۳۰. _____، صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، بی جا: بی نا، بی تا[الف].

۳۱. —، صحیح و ضعیف سنن ترمذی، بی جا: بی نا، بی تا[ب].
۳۲. بغدادی، ابو عبدالله محمد بن مخلد، منتقى حديث ابو عبدالله محمد بن مخلد، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۳. بغوی، حسین بن مسعود، شرح السنة، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۴. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۳۵. ترمذی، محد بن عیسی، سنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۶. جرجانی، حمزة بن یوسف، تاریخ جرجان، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۱ق.
۳۷. جوهری، حسن بن علی بن محمد، المجلسان من أمالی ابی محمد الجوهري، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۸. خرکوشی، عبدالملک بن محمد، شرف المصطفى، مکه: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۳۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۰. —، الکفایة فی علم الروایة، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۶ق.
۴۱. دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر، العلل الواردة فی الاحادیث النبویه، ریاض: دار الطیبه، ۱۴۰۵ق.
۴۲. دیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۴۳. ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۴۴. —، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرساله، بی تا.
۴۵. زرکشی، محمد بن عبدالله بن بهادر، الآلی المشورة فی احادیث المشهوره، بی جا: المکتب الاسلامی، بی تا.
۴۶. سیوطی، جلال الدین، التدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ریاض: مکتبه الرياض الحدیثیه، بی تا[الف].
۴۷. —، التدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، بیروت: دارالکلم الطیب، ۱۴۱۷ق.
۴۸. —، الحباثک فی اخبار الملائک، بی جا: بی نا، بی تا[ب].
۴۹. —، الخصائص الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا[ج].
۵۰. —، الفتح الکبیر فی ضم الزیادة الی جامع الصغیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۳ق.
۵۱. —، جامع الاحادیث، بی جا: بی نا، بی تا[د].
۵۲. —، جامع کبیر، بی جا: بی نا، بی تا[ه].
۵۳. شجری جرجانی، یحیی بن الحسین، ترتیب الأمالی الخمیسه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۵۴. صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۱م.
۵۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، قاهره: دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۵۶. —، المعجم الکبیر، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
۵۷. —، المعجم الکبیر، موصل: مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۰۴ق.
۵۸. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی، بی نا: بی جا، بی تا.

۵۹. طحان، محمود، تیسیر مصطلح الحدیث، بی جا: مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ق.
۶۰. عائض، ناصر بن علی، عقیده اهل السنة فی صحابه الکرام، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۲۱ق.
۶۱. عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، سوریه: دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
۶۲. العتیبی، عمر بن سلیمان، الجنة والنار، اردن: دار النفائس للنشر، ۱۴۱۸ق.
۶۳. عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفا، بی جا: المکتبه العصریه، ۱۴۲۰ق.
۶۴. عسقلانی، احمد بن حجر، اطراف المسند المعتملى بأطراف المسند الحنبلى، بیروت: دار ابن کثیر، بی تا [ب].
۶۵. —، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة، بی جا: بی نا، بی تا [الف].
۶۶. الفسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفة والتاریخ، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۱ق.
۶۷. —، مشیخه، ریاض: دارالعاصمه، ۱۴۳۱ق.
۶۸. قاسمی، جمال الدین، قواعد التحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۶۹. —، قواعد التحدیث، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۲۲ق.
۷۰. قطیعی، ابوبکر احمد بن جعفر، جزء ألف دینار، کویت: دارالنفائس، بی تا [الف].
۷۱. —، الجزء الرابع من فوائد المنتقاء العوالی، بی جا: بی نا، بی تا [ب].
۷۲. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، بی جا: بی نا، بی تا.
۷۳. الکنانی، شیخ محمد جعفر، نظم المتناثر، مصر: دارالکتب السلفیه، بی تا.
۷۴. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۹۸۹م.
۷۵. مراغی، ابی حفص عمر بن الحسن، مشیخه، بی جا: دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۶ق.
۷۶. مزی، یوسف بن زکی، تهذیب الکمال، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۰ق.
۷۷. مقدسی، محمد بن طاهر، ذخیره الحفاظ، ریاض: دارالسلف، ۱۴۱۶ق.
۷۸. نسایی، احمد بن شعیب، الخصایص علی، بی نا: بی جا، بی تا [الف].
۷۹. —، خصائص امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام، کویت: مکتبه المعلا، ۱۴۰۶ق.
۸۰. —، سنن الکبری، بی جا: بی نا، بی تا [ب].
۸۱. —، فضائل الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۸۲. نیشابوری، ابو عبدالله حاکم، المستدرک علی الصحیحین، بی جا: بی نا، بی تا.
۸۳. هیتمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقه، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۹۹۷م.
۸۴. هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
۸۵. —، موارد الظمان الی زوائد ابن حبان، بی جا: دارالکتب العلمیه، بی تا.